

بررسی کارکردهای آشکار و پنهان ساواک ایلام و پیامدهای اجتماعی آن (۱۳۴۰-۱۳۵۷)

سیدمحمد طاهری مقدم^۱

چکیده

سازمان اطلاعات و امنیت کشور، یکی از ارگان‌هایی بود که در دوره پهلوی، با الگوبرداری از سازمان‌های اطلاعاتی غرب و به‌ویژه موساد و سیا شکل گرفت و دفاتر خود را در تمام مناطق کشور فعال نمود. یکی از مناطقی که این ارگان با استفاده از تجهیزات پیشرفته، فعالیت گسترده‌ای را در آنجا آغاز کرد، ایلام بود. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد و با بهره‌گیری از اسناد منتشر نشده و مصاحبه با صاحب‌نظران و انقلابیون دهه ۱۳۵۰، در پی یافتن پاسخ به این سؤالات برآمد که ۱- علت توجه ویژه ساواک به ایلام چه بود؟ ۲- این ارگان در این منطقه چه کارکردهایی داشت؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که موقعیت جغرافیایی ایلام برای فعالیت درون‌مروزی و برون‌مرزی از دلایل توجه ویژه ساواک به این شهر بوده است. ساواک ایلام کارکردهای چندگانه منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی داشت؛ چنانکه از یک سو، با نظارت دقیق بر فعالیت‌های مردم ایلام و ایجاد فضای رعب و وحشت تلاش می‌کرد تا هرگونه فعالیت بر علیه رژیم پهلوی را سرکوب کند و با دستگیری، به زندان انداختن و تبعید بسیاری از انقلابیون ایلام، فشارهای زیادی را به خانواده‌های آنها وارد آورد؛ از سوی دیگر، به واسطه موقعیت جغرافیایی و مناسب ایلام در ارتباط با شهرهای مذهبی عراق، به‌ویژه نجف، موقعیت و فعالیت‌های امام خمینی (ره) را رصد می‌کرد و گزارش آن را به مرکز ارسال می‌نمود. علاوه بر این، در این زمان که اسرائیل درگیر جنگ با اعراب بود، ساواک ایلام با همکاری موساد، پایگاهی جاسوسی برای این کشور ایجاد کرده بود و تحرکات کشورهای عربی منطقه را به آنجا مخابره می‌کرد.

واژگان کلیدی: رژیم پهلوی، ساواک، ایلام، نجف، موساد.



مقدمه و بیان مسئله

از دوره باستان در کشورهای مختلف، خبرگیری و رصد اوضاع مملکت مهم بوده و نهادهایی برای آن وجود داشته است. در دوره معاصر نیز با پیشرفت‌های تکنولوژیکی، این موضوع از بعد داخلی و خارجی حائز اهمیت بیشتری شده است. در ایران از آغاز قرن ۱۴ ش. و با نوسازی عصر رضاشاه، اقداماتی در زمینه مسائل امنیتی انجام شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد، محمدرضاشاه برای تحکیم پایه‌های سلطنتش، سازمان اطلاعات و امنیت کشور موسوم به ساواک را به وجود آورد و با تصویب مجلس آن را به سازمانی قانونی تبدیل کرد. وی با نظارت خود بر ساواک در صدد بود بر مناطق مختلف کشور اشراف اطلاعاتی داشته باشد. ساواک به سرعت تشکیلات خود را در سراسر کشور گستراند و به یکی از ارکان رژیم سلطنتی پهلوی مبدل شد. این سازمان همواره برای شخص شاه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. یکی از مناطقی که ساواک دفاتر خود را در آن مستقر کرد و با نصب تجهیزات پیشرفته، فعالیت گسترده‌ای در آنجا آغاز نمود، ایلام بود که به سرعت مورد توجه ویژه قرار گرفت. مسئله پژوهش حاضر این است که ایلام با توجه به موقعیت جغرافیایی اش که فاصله بسیار زیادی از مراکز حساس کشور داشت چه ویژگی‌هایی داشت که بسیار مورد توجه مسئولین ساواک قرار گرفته بود؛ به نحوی که پیشرفته‌ترین تجهیزات جاسوسی را در برخی از مراکز ساواک در ایلام نصب کرده بودند. در واقع بررسی چرایی اهمیت ایلام از نظر ساواک و تأثیرات و پیامدهای اجتماعی اقدامات این نهاد امنیتی بر جامعه ایلی و عشایری ایلام، مسئله اصلی پژوهش حاضر است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

علی‌رغم تحولات گسترده‌ای که در ایلام، به‌ویژه در دوره معاصر روی داده است، در زمینه تدوین و تألیف آثار تاریخی به شدت با ضعف مواجه هستیم. با توجه به اینکه بسیاری از تحولات تاریخی این منطقه مدون نشده است و مطلعین و بسیاری از افراد مؤثر در این تحولات نیز در گذشته‌اند، بخش‌هایی از این داده‌های تاریخی برای همیشه از بین رفته است. هویت هر ملتی با تاریخ و فرهنگ آن ملت، ارتباط مستقیم دارد و غنا بخشیدن به آثار تاریخی، به غنای فرهنگی و هویت‌بخشی به آن ملت منجر خواهد شد. پژوهش حاضر برای نخستین بار به یکی از موضوعاتی پرداخته که در تاریخ معاصر ایلام مغفول مانده است. در این پژوهش تلاش شده است با پرتوافکنی بر مقطعی خاص از تاریخ ایلام، زوایای تاریک برخی از تحولات آن را روشن نماید. با توجه به شرایط کنونی کشور، هم از نظر داخلی و هم از نظر منطقه‌ای، به‌ویژه تقابل ایران و اسرائیل و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن، ضرورت دارد دستگاه‌های امنیتی و کارکردهای آنها مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا با بازآفرینی گذشته و فهم زمان حال، برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای آینده انجام گیرد. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر از اسناد منتشر نشده ساواک بهره گرفته شده، جنبه‌هایی از اقدامات ساواک ایلام و پیامدهای سیاسی و اجتماعی این اقدامات روشن می‌گردد و این موضوع تاکنون مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است.

پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه پژوهش حاضر باید اشاره کرد که علی‌رغم انجام تحقیقات بسیار زیاد در مورد



ساواک و فعالیت‌های آن و تألیف کتب و مقالات متعدد در رابطه با فعالیت‌های انقلابی مردم ایلام، هیچ‌گونه تحقیق مستقلی در رابطه با ساواک ایلام و اقدامات داخلی و بین‌المللی آن انجام نشده است؛ اما از آثاری که با بخش‌هایی از پژوهش حاضر مرتبط هستند می‌توان به مقاله «روابط امنیتی - اطلاعاتی ایران و اسرائیل با تکیه بر سازمان‌های ساواک و موساد» تألیف مهین کفاش (۱۳۸۸) اشاره کرد. وی در این مقاله نیاز متقابل ایران و اسرائیل را در همکاری‌های امنیتی حائز اهمیت می‌داند. تقی نجاری‌راد (۱۳۷۸) هم در کتابی با عنوان «ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه»، به فعالیت‌های این سازمان و روابط آن با موساد پرداخته است. وی اعتقاد دارد که ساواک بیش از آنکه در صدد حفظ امنیت کشور باشد، به دنبال تحکیم پایه‌های رژیم پهلوی بوده است. مظفر شاهدی (۱۳۸۶) نیز در کتابی با عنوان ساواک - سازمان اطلاعات و امنیت کشور (۱۳۳۵ - ۱۳۵۷)، فعالیت‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی ساواک را از بدو تأسیس تا سقوط رژیم پهلوی بررسی کرده است. «بررسی مناسبات سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در دوران پهلوی با سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد)»، عنوان مقاله دیگری است که مولوی وردنجانی و فیض‌افرا (۱۳۹۷) آن را تألیف نموده و مناسبات این دو سازمان را در حوزه‌های کارشناسی، تجهیزاتی و ... بررسی کرده‌اند.

چنانکه ملاحظه شد کتب و مقالات زیادی در رابطه با ساواک به رشته تحریر درآمده است؛ اما مقاله حاضر با بهره‌گیری از اسناد منتشر نشده به موضوعی پرداخته که تاکنون تحقیقی در رابطه با آن انجام نشده است.

چهارچوب مفهومی^۱

با توجه به ماهیت استقرایی و اکتشافی تحقیق حاضر، چهارچوب مفهومی به جای چهارچوب نظری ارائه شده است. چهارچوب نظری خاص پژوهش‌های پیمایشی است که بر منطق قیاس مبتنی هستند و هدف آنها، نظریه‌آزمایی است.

کارکرد^۲

به فعالیت، عملکرد، اثر یا هدف خاص یک فرد یا یک چیز گفته می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۳: ۸۵۳). واژه کارکرد در جامعه‌شناسی، به نتایج و آثار عینی پدیده‌ها یا ساخت‌های اجتماعی اطلاق می‌شود (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳: ۷۸).

کارکرد اجتماعی^۳

یک رخداد یا فعالیت قصدمند (آشکار) یا غیرقصدمند (پنهان) است که تا حدودی از نظر اجتماعی تعیین می‌شود و بر جامعه اثر مثبت می‌گذارد (میرزایی، ۱۳۹۳: ۸۵۳).

1. Conceptual framework

2. Function

3. Social function



کارکرد آشکار^۱

کارکرد آشکار، کارکرد مطلوب است (ریتزر، ۱۳۹۳: ۳۴۵). هرگاه یک پدیده اجتماعی همان نتایج مشخصی را به بار آورد که مورد نظر بوده است، اثرات حاصل را نتایج آشکار می‌نامند (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳: ۷۹). این اثرات «قابل تشخیص هستند و نهادهایی نیز به صورت آشکار و رسمی برای تحقیق آنها موجودیت یافته‌اند» (میرزایی، ۱۳۹۳: ۸۵۳).

کارکرد پنهان^۲

کارکرد پنهان، کارکرد ناخواسته است (ریتزر، ۱۳۹۳: ۳۴۵). هرگاه اجرای یک سلسله اصلاحات یا انجام یک فعالیت اجتماعی، نتایج دیگری غیر از آنچه مورد نظر بوده، به بار آورد، آن را نتایج پنهان یا ضمنی می‌نامند (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳: ۷۹). این کارکردها «ممکن است به راحتی قابل تشخیص نباشند. پس اگر نتایج تشکیل یک نهاد اجتماعی غیر از آن چیزی باشد که مورد نظر بوده است به این نتایج کارکرد پنهان گویند» (میرزایی، ۱۳۹۳: ۸۵۴).

کارکرد مناسب^۳

هرگاه نتایج یک پدیده اجتماعی برای کل جامعه مفید باشد و به تداوم آن کمک کند، کارکرد نتایج مناسب نامیده می‌شود (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳: ۷۹).

کارکرد نامناسب^۴

هرگاه نتایج یا فعالیت‌های یک پدیده اجتماعی تأثیر منفی داشته باشد و به نحوی سبب تضعیف و تزلزل نظام اجتماعی شود، آن را نتایج نامناسب می‌نامند (همان).

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، تاریخی (توصیفی - تحلیلی) است. این پژوهش نه کاری صرفاً توصیفی است که به شرح رویدادها و وقایع پرداخته باشد و نه کاری نظری و انتزاعی است که صرفاً نظریات مختلف را در عالم ذهن بررسی کرده باشد؛ بلکه کاری است که تحولات تاریخی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. داده‌ها و اطلاعات مورد استفاده در پژوهش از منابع مختلفی گرد آمده است. علاوه بر استفاده از برخی از کتب تاریخی و نشریات، تکیه محقق بر دو دسته از منابع بوده است: نخست، اسناد منتشر نشده ساواک که در مراکز اسنادی به دست آمد؛ دوم، مصاحبه با افرادی که در موضوع پژوهش نقش داشته یا اطلاعاتی در این زمینه داشته‌اند.

1. Manifest function

2. Latent function

3. function

4. Dysfunction



پس از بررسی و کدگذاری اسناد، اطلاعات لازم از آنها استخراج شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. افرادی که با آنها مصاحبه شد و در دسترس بودند نیز برخی مواجهه مستقیم با ساواک داشتند و برخی هم از مطلعین بودند که در مصاحبه با آنها از تکنیک‌های مورد استفاده در تاریخ شفاهی، برای ثبت و ضبط اطلاعات مربوط به رویدادها استفاده شد. با توجه به گذشت زمان زیاد از مقطع زمانی مورد پژوهش، برخی از اطلاعات و تواریخ ابهام داشت که با کمک اسناد اصلاح گردید. ملاک بسندگی و کفایت مصاحبه‌ها اصل اشباع^۱ بود. اشباع زمانی محقق می‌شود که اطلاع‌رسان‌ها اطلاع جدیدی ارائه می‌دهند و پاسخ‌هایشان به تکرار می‌رسد.

با اتخاذ روش تحقیق تاریخی، پژوهش بر این فرضیه استوار است که اهمیت ایلام برای ساواک بیش از آنکه به اقدامات نیروهای انقلابی در داخل مربوط باشد، به موقعیت استراتژیک این شهر در هم‌مرز بودن با کشور عراق و نزدیکی به آن به منظور رصد دقیق فعالیت‌های امام خمینی؛ همچنین جاسوسی از کشورهای عربی به سود اسرائیل، مربوط بوده است.

شکل‌گیری ساواک

محمدرضا شاه در دهه ۱۳۳۰ و پس از کودتای ۲۸ مرداد تلاش کرد تا تمام اختیارات مملکت را در دستان خود جمع کند و با انتصاب استانداران خاص و مطیع و با استفاده از ژاندارمری و شهربانی به شدت بر انتخابات نظارت نماید و عنان مجلس ملی و مجلس سنا را در دست گیرد.

اگرچه در این زمان دو سازمان امنیتی (بازرسی شاهنشاهی و رکن ۲ ارتش) وجود داشت؛ ولی شاه می‌خواست با کمک کشورهای غربی، سازمان اطلاعاتی پیشرفته‌ای در اختیار داشته باشد تا بتواند تمام مسائل کشور را رصد کند و با شناسایی تهدیدات احتمالی قدرت مطلقه‌اش، به سرکوب آنها مبادرت ورزد. تحولات دوره نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق قبل از تحولات کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، باعث شده بود که شاه همواره نگران تاج و تختش باشد و این موضوع تا سال‌های پایانی حکومتش وی را آزار می‌داد.

جنبش ملی کردن صنعت نفت و آشکار شدن ضعف‌های امنیتی رژیم؛ همچنین کشف سرویس‌های اطلاعاتی شوروی، شاه را به این فکر انداخت تا با ایجاد سازمانی اطلاعاتی بتواند از نفوذ جاسوس‌های دیگر کشورها جلوگیری کند (سولیوان و پارسونز، ۱۳۷۲: ۹۴-۹۵) و بر اوضاع داخلی نیز مسلط شود و خودش بر این ساختار قانونی نظارت کامل داشته باشد؛ به همین منظور تلاش کرد با تصویب تأسیس سازمان اطلاعاتی مورد نظر در مجلس شورای ملی، آن را به تشکیلاتی قانونی تبدیل نماید؛ بنابراین مجلس شورای ملی در اسفندماه ۱۳۳۵ قانون تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) را تصویب کرد و این سازمان در فروردین ۱۳۳۶ به طور رسمی تأسیس شد. ماده ۱۹ قانون تشکیل ساواک مقرر می‌داشت «برای حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هرگونه توطئه که مضر مصالح عمومی است، سازمانی وابسته به نخست‌وزیری به نام اطلاعات و امنیت کشور تشکیل می‌شود و رئیس سازمان، سمت معاون نخست‌وزیر را داشته، به فرمان اعلی حضرت همایون شاهنشاهی منصوب خواهد شد» (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۲۲۹-۲۳۰).



سمت معاون نخست‌وزیر داشت و به فرمان شاه منصوب می‌شد (سلیمی، ۱۳۸۷: ۲۵). به این ترتیب، با هدف ظاهری حفظ امنیت کشور و در واقع برای حفظ امنیت حکومت پهلوی، ساواک شکل گرفت. این سازمان از سه قسمت اصلی حوزه ریاست، ادارات کل و شاخه‌ها (در تهران، استان‌ها و شهرستان‌ها) و نمایندگی‌هایی در خارج از کشور تشکیل می‌شد. بسیاری از محققین و مورخین اعتقاد دارند که تشکیل ساواک، برنامه‌ای از سوی آمریکایی‌ها و در راستای منافع آنها بوده است. محمدحسین هیکل (۱۳۶۶: ۱۲۶-۱۲۸)، روزنامه‌نگار برجسته مصری که کتابی درباره انقلاب ایران و ریشه‌های آن نوشته است، با برشمردن علایق و خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و راهبردی آمریکا در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تشکیل ساواک را مؤثرترین اقدام سیا و آمریکا ارزیابی کرده و ساواک را بیش و کم شاخه‌ای از سیا به شمار آورده است که عمده فعالیت‌هایش در راستای اهداف آمریکا شکل گرفته و هدایت شده است؛ به همین منظور «گروهی از افسران سیا برای آموزش نیروهای ساواک به ایران آمده و تا سال ۱۳۴۰ این گروه در ایران ماند و آموزش‌های ضروری را به اعضای ساواک برای تبدیل شدن به یک سازمان پیشرفته اطلاعاتی ارائه داد. البته آموزش‌های ساواک خیلی پیشرفته نبود و بیشتر مفاهیم اولیه جاسوسی به کارمندان ساواک آموزش داده می‌شد» (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۴۶-۴۸).

ساواک به سرعت دفاتر خود را در همه جای کشور ایجاد کرد و بر آن بود تا با در اختیار گرفتن رسانه‌های گروهی از جمله صدا و سیما و مطبوعات؛ همچنین با کنترل و نظارت بر چاپ کتاب، افکار عمومی را به نفع رژیم تغییر دهد. سرکوب نیروهای مخالف رژیم در احزاب و گروه‌های مختلف، از جمله در حزب توده و گروه‌های چپ، سازمان مجاهدین، جبهه ملی و روحانیون مخالف رژیم، یکی از کارویژه‌های سازمان اطلاعات و امنیت کشور بود و به همین منظور، روند گسترش ساواک بسیار سریع بود. آبراهامیان (۱۳۷۷: ۵۳۶) در این زمینه می‌گوید: «ساواک در مجموع بالغ بر ۵۳۰۰ مأمور تمام‌وقت داشت که شمار بسیاری از آنها جاسوسان ناشناس بودند. این سازمان ... می‌توانست رسانه‌های گروهی را سانسور کند، متقاضیان مشاغل دولتی را گزینش نماید و بر پایه اظهارات منابع قابل اعتماد غربی، از هر شیوه‌ای از جمله شکنجه برای از بین بردن مخالفان استفاده کند؛ در واقع چشم و گوش شاه و در مواقع ضروری مشت آهنین وی بود و اگرچه در ظاهر برای حفظ امنیت کشور ایجاد شده بود؛ اما این دستگاه اطلاعاتی مخوف در داخل کشور در خدمت شاه مستبدی بود که تحمل هیچ صدای مخالفی را نداشت.

شاه خود ضمن اینکه ساواک را سازمانی نظیر دستگاه اطلاعاتی کشورهای مثل آمریکا، انگلیس و فرانسه می‌دانست، مبارزه با کمونیسم و گروه‌های چپ را دلیل اصلی شکل‌گیری آن اعلام کرد. در جایی دیگر نیز مبارزه با فعالیت‌های براندازنده خارجی و داخلی علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران را دلیل ایجاد ساواک اظهار نمود (پهلوی، ۱۳۹۱: ۲۲۶)؛ ولی عملکرد ساواک نشان داد که هدف این سازمان، چیزی جز سرکوب هرگونه صدای مخالف و منتقد، ایجاد جو خفقان در کشور و تلاش برای حفظ و حراست از سلطنت خاندان پهلوی نبوده است.

کارکردها و اقدامات عملی ساواک در ایلام

ساواک در ایلام در سال‌های نخستین دهه ۴۰ ش. شکل گرفت و اداره آن در خیابان بلوار (بلوار امام خمینی فعلی) واقع بود و منازل سازمانی کارکنان ساواک نیز روبروی بیمارستان امام خمینی



فعالی قرار داشتند که به ۱۴ دستگاه معروف بود. در اداره ساواک ایلام به دلایل مختلف از جمله: همکاری ننمودن نیروهای بومی در سرکوب مردم، بافت ایلی و قومی استان ایلام و ... از افراد غیربومی استفاده می‌شد. اگرچه ساواک در برخی از برنامه‌های خود، جهت کسب اطلاع از مراسمات و برنامه‌های مساجد و انقلابیون، از برخی از افراد محلی برای کسب خبر بهره می‌گرفت، ولی این کار به صورت محرمانه صورت می‌گرفت و اکثر افرادی که مخبر ساواک بودند قابل شناسایی برای مردم نبودند (مصاحبه با شمس‌الله سراج، ایلام، ۱۳۹۶/۱۲/۱۲). از سوی دیگر به واسطه اهمیت ساواک ایلام و کارکرد چندگانه آن در سطح داخلی و خارجی، به نیروهای متخصصی نیاز بود که آموزش‌های لازم را به‌ویژه در حوزه تجهیزات جاسوسی دیده باشند. کارکردهای این سازمان در سه سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی قابل بررسی است.

۱- نقش ساواک در سرکوب نیروهای انقلابی ایلام و پیامدهای اجتماعی آن

اولین کارکرد ساواک در ایلام همچون سایر نقاط کشور، کنترل شدید و خشن مردم و رصد اقدامات آنها در حوزه‌های مختلف، برای جلوگیری از هرگونه مخالفتی با رژیم شاه بود. شمس‌الله سراج (همان) در این خصوص می‌گوید: «اداره ساواک مثل سایر استان‌ها در ایلام نیز وجود داشت و از نظام حکومت پهلوی حفاظت و حراست می‌کرد. این اداره در استان ایلام از طرق مختلف از قبیل زندان، شکنجه، بازجویی‌های طولانی‌مدت و مداخله در امور مختلف زندگی مردم، چنان جو و فضایی از رعب و وحشت ایجاد کرده بود که مردم حتی در محافل خصوصی و خانوادگی جرئت نداشتند درباره مسائل سیاسی اظهار نظر کنند. این جو رعب و وحشت به گونه‌ای بود که وقتی مردم از رویروی اداره ساواک عبور می‌کردند از ترس و وحشت، صورت خود را برگردانده تا مبدا تحت تعقیب و آزار و اذیت قرار گیرند».

شدت کنترل و نظارت ساواک بر فعالیت‌های مردم، به‌خوبی در اسناد به جای مانده از این سازمان نمایان است. اسنادی از اواخر دهه ۴۰ به جای مانده که حاکی از نظارت دقیق بر تحولات مردم ایلام توسط ساواک است. در این زمان، ساواک با گروهی از مردم ایلات و عشایر ایلام به علت ارتباط با تشکیلات تیمور بختیار در عراق، با خشونت برخورد نمود. اسناد به جای مانده، شرح مفصلی از اقدامات عشایر ایلام و واکنش ساواک نسبت به آنها را ثبت و ضبط کرده است؛ بنا بر این اسناد، در اواخر سال ۱۳۴۸ ش. ساواک به شدت از این موضوع نگران بوده و فعالیت‌های مردم منطقه را تحت کنترل شدید قرار داده است. در تاریخ دهم اسفند ۱۳۴۸ ش. ساواک گزارش داده است که عده‌ای از مردم طوایف شوهان و کرد به عراق عزیمت کرده‌اند و در حال دیدن تعلیمات نظامی و کماندویی هستند. هر چند روز یکبار نیز بختیار از آنها بازدید می‌کند و در نظر دارد آنها را جهت خرابکاری به داخل کشور گسیل دارد (مراسان، شماره ۱۶۰۴۰۷۰).

ساواک با همکاری ژاندارمری منطقه، اقدامات گسترده‌ای جهت دستگیری این افراد انجام داده بود. «روز ۱۳۴۸/۱۲/۲۰ ساواک دهلران طی نامه‌ای دستگیری شش نفر به اسامی ۱- عبدال میرزا فرزند علی، ۲- محمدحسین فرزند محمدکریم، ۳- محمد فرزند فرس، ۴- سیدامیر فرزند سیدپیرزاده، ۵- ابراهیم فرزند

علی شهرت چادله و ۶- ابراهیم رحیمی، ساکنین حوزه زرین آباد را که مشکوک به نظر رسیده و احتمال ایاب و ذهاب آنان به خاک عراق می‌رفت، به مرزبانی مذکور می‌دهد. بلافاصله رئیس پاسگاه زرین آباد نسبت به دستگیری آنان اقدام کرده و علاوه بر شش نفر مذکور، ۹ نفر دیگر را نیز که مشکوک به نظر رسیده و قبلاً نیز اطلاعاتی درباره آنان رسیده بود دستگیر نموده و ساعت ۱۸ روز مذکور به ساواک محل معرفی می‌گردند. در تحقیقات معموله، دو نفر از ۹ نفر اخیر به اسامی سلمان شیرعباس و اسکندر فرزند مصطفی که جزو صورت ساواک نبوده شخصاً اعتراف به عزیمت خود به کشور عراق و ملاقات با تیمور بختیار و اجرای تمرینات نظامی و تیراندازی با تفنگ کلاشینکوف و اسلحه کمری و مسلسل دستی و پرتاب نارنجک نموده و اضافه می‌نمایند که برای این منظور، ۱۳ روز در خاک عراق تحت تعلیمات نظامی قرار گرفته و قرار بود که در عید امسال اقداماتی بر علیه کشور شاهنشاهی به عمل آورند که نقشه شوم آنها بدین ترتیب نقش بر آب گردید» (مراسان، شماره ۱۵۹۹۰۴۱). در همین تاریخ یعنی بیستم اسفند ۱۳۴۸ ش. خلیفه کریمی نیا که رهبری نیروهای بختیار در ایلام را برعهده داشت، توسط نیروهای ساواک مهران شناسایی و دستگیر شد. وی تعهد نمود که فرزندان خود را تسلیم و سایر نیروهای بختیار را معرفی کند؛ ولی به محض رهایی از بازداشتگاه ساواک به همراه فرزندان و خانواده‌اش به عراق مهاجرت نمود و درخواست پناهندگی کرد. او در این زمان به دیدار امام رفت و شرایط منطقه را برای وی تشریح نمود. خلیفه کریمی نیا به همراه خانواده در شهر کوت مستقر شد و به مبارزه علیه رژیم پهلوی ادامه داد (مصاحبه با خیرالله کریمی نیا، ایلام، ۱۳۹۵/۳/۷).

نیروهای بختیار و افراد و احزاب و گروه‌های هماهنگ با آنها در اکثر مناطق مرزی دو کشور ایران و عراق از خوزستان تا کردستان، پادگان‌هایی را تشکیل داده بودند. یکی از این پادگان‌ها در شهر کوت عراق قرار داشت که خلیفه کریمی نیا آن را رهبری می‌کرد. هر پادگان تجهیزات نظامی و زرهی و تشکیلات و سازمان منظم داشت و به نیروهای آنها به صورت ماهیانه حقوق پرداخت می‌شد (مصاحبه با شامحمد عبدی، ایلام، ۱۳۹۵/۳/۴).

این اقدامات خلیفه کریمی نیا و فرزندانش باعث خشم و عصبانیت رژیم پهلوی گردید؛ به نحوی که حکم اعدام وی و پسرانش به صورت غیابی صادر شد و حتی برای قتل آنها جایزه تعیین گردید (مصاحبه با میرحسین کریمی نیا، مهران، ۱۳۹۵/۳/۱۲). تلاش مردم عشایر منطقه در مبارزه با رژیم پهلوی، نشانگر طغیان آنها در برابر اقدامات ظالمانه این رژیم و عمال آنها بود. ساواک و رژیم پهلوی که توان دیدن اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم را نداشتند و به کوچکترین انتقادی با اسلحه و خشونت پاسخ می‌دادند، اکنون در برابر مردمی قرار گرفته بودند که اسلحه در دست گرفته و از خود دفاع می‌کردند. ساواک که از این اقدامات به خشم آمده بود، به شدت واکنش نشان داد و با خشونت تمام تلاش کرد نیروهایی را که به هر نحوی با تیمور بختیار همراه یا هم‌دل بودند، سرکوب نماید. در همین راستا بسیاری از مردم ایلام، که مستقیم یا غیرمستقیم با نیروهای بختیار در ارتباط بودند، دستگیر شدند. در این خصوص در گزارش شهربانی فرمانداری کل ایلام، مورخ بیست و هشتم اسفند ۱۳۴۸ ش. چنین آمده است:

«محترماً تعقیب خبر شماره ۳۷۳-۵/۱۲/۱۷؛ ۴۸/۱۲/۱۷ ساواک فرمانداری کل ایلام تاکنون ۲۸ نفر از اهل شوهان را دستگیر و تحت تعقیب قرار داده و اقدامات پیگیر به منظور شناسایی کامل محرکین ادامه داشته». ساواک در ادامه طی فهرستی، اسامی افراد دستگیر شده را نیز اعلام می‌نماید (مراسان،



شماره‌های ۵/۳۹۲ و ۱۶۰۴۰۷۷). سازمان ساواک برای سرکوب کامل مردم، اقوام و خویشان افراد مخالف با شاه و نیروهای بختیار را نیز مورد تعقیب و آزار قرار می‌داد؛ بدین صورت که اقوام و خویشان کسانی که به عراق عزیمت نموده بودند نیز تحت کنترل شدید ساواک قرار گرفتند تا به محض برقراری ارتباط به ساواک معرفی شوند (مراسان، شماره ۵/۳۷۶).

دومین مرحله از شدت عمل ساواک در مواجهه با مردم ایلام، به اقدامات آنها در رابطه با فعالیت‌های انقلابی روحانیون، به‌ویژه در دهه ۱۳۵۰ مربوط می‌شود. ساواک ایلام در این زمان یکی از روحانیون ایلامی به نام شیخ محمد تعمیرکاری را که از انقلابیون طرفدار امام خمینی بود به شدت تحت کنترل قرار می‌داد و تمام اقدامات ایشان را ثبت و گزارش می‌نمود. اسناد به جای مانده از ساواک در رابطه با فعالیت‌های تعمیرکاری با عنوان عالم مبارز حجه‌الاسلام حاج شیخ محمد تعمیرکاری توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات چاپ شده است. مجموعه اسناد ساواک در رابطه با وی به‌خوبی نشان می‌دهد که این سازمان با چه دقت و حساسیتی، عملکرد افرادی که به آنها مظنون بوده را ثبت و ضبط می‌کرده است. شیوه عملکرد ساواک به گونه‌ای بود که حریم خصوصی افراد را نیز مورد تجاوز قرار می‌داد و آسایش را از زندگی بسیاری از مردم سلب می‌کرد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۰: کتاب چهل و سوم).

در مجموعه اسنادی که از سایر انقلابیون ایلامی، از جمله آیت‌الله حیدری ایلامی به جای مانده است، می‌توان دریافت که این افراد با چه شرایط سختی برای آرمان‌های خود به مقابله با رژیم پهلوی ادامه داده‌اند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۲: کتاب چهل و پنجم)؛ مردم عادی، حتی آنهایی که در مساجد پای منبر روحانیان می‌نشستند نیز کنترل می‌شدند. ساواک به شدت اقدامات مردم، به‌ویژه بازاریان و اصناف را رصد می‌کرد و گزارش تعطیلی بازارها را به مرکز اعلام می‌نمود. حساسیت ساواک نسبت به ادارات دولتی و مدارس بسیار بیشتر بود؛ به گونه‌ای که کوچکترین تحصن، اعتصاب، اعتراض و تعطیلی را ثبت و ضبط می‌نمود و به مرکز مخبره می‌کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۲/۱۳۸۲). علاوه بر این، خشونت ساواک در مواجهه با مردم ایلام، به‌ویژه در مورد کسانی که با تیمور بختیار همکاری داشتند و اعدام، زندان و تبعید برخی از آنها، پیامدهای اجتماعی ژرفی برجای گذاشت؛ چنانکه بسیاری از مردم ایلات شوهان و کرد، تحت فشارهای ساواک از زندگی عشایری دست کشیدند و به شهرها مهاجرت کردند و تا پیروزی انقلاب اسلامی همواره ترس از ساواک بر زندگی آنها سایه انداخته بود. بنابراین یکی از کارکردهای ساواک در ایلام، نظارت دقیق بر همه جوانب زندگی مردم و ایجاد جو خفقان برای جلوگیری از اعتراضات مردمی بود. این سازمان در مقابله با نیروهای انقلابی از تمامی ابزارهای لازم استفاده می‌کرد. شمس‌الله سراج (۱۳۹۶/۹/۱۲) در این خصوص می‌گوید: «ساواک در مقابله با نیروهای انقلابی و حتی کمونیست و سایر مخالفین رژیم، شکنجه‌هایی را به کار می‌برد که انسان از بیان و تقریر آن برای خوانندگان شرم دارد. شکنجه‌گران ساواک اکثراً در خارج از کشور آموزش دیده بودند و به مبانی دینی و اسلامی اعتقادی نداشتند؛ به همین دلیل با قباحات تمام با زندانیان برخورد می‌کردند».

یکی دیگر از کارکردهای ساواک در حوزه داخلی، تلاش برای استفاده و بهره‌گیری از مردم ناآگاه در راستای همدلی با رژیم پهلوی و حمایت از آن بود. بدین صورت که با جمع‌آوری طومارهای جعلی، برگزاری مراسم مختلف و فشار بر مردم برای شرکت در آن مراسم، تلاش می‌کرد جو روانی جامعه را به گونه‌ای نشان دهد که مردم از عملکرد رژیم پهلوی رضایت دارند و کسی مخالف با آنها نیست (مصاحبه با هاشم نعمتی، ایلام، ۱۳۹۶/۹/۸).

۲- نقش و جایگاه ساواک ایلام در کنترل شهرهای مذهبی عراق و رصد موقعیت امام

یکی دیگر از کارکردهای ساواک ایلام که به واسطه شرایط جغرافیایی استان ایلام به این سازمان محول شده بود و برای ساواک مرکز، اهمیت زیادی داشت، رصد و کنترل دقیق شهرهای نجف، کربلا و بغداد بود که از نظر جغرافیایی به استان ایلام بسیار نزدیک بودند. شهرهای نجف با عرض جغرافیایی ۳۱ درجه و ۵۹ دقیقه، کربلا با عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۴۰ دقیقه و بغداد با عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۴ دقیقه دقیقاً در مدار عرض جغرافیایی استان ایلام قرار می‌گیرند که طول مرز آن از شمال تا جنوب در عرض جغرافیایی ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه است. قرار داشتن این شهرها در یک عرض جغرافیایی و مرزی بودن استان ایلام، باعث می‌شد که ایلام به عنوان نزدیکترین مکان جهت به‌کارگیری ابزارهای جاسوسی و رادارهای خبرگیری از مرز ایران و عراق در نظر گرفته شود. یکی از این رادارها که هم‌اکنون نیز در این منطقه وجود دارد و با جدیدترین ابزارهای تکنولوژیکی مجهز شده بود، رادار «شهنه‌چیر» است. اسناد به جای مانده از ساواک به‌خوبی نشان می‌دهد که این سازمان به‌ویژه بعد از تبعید حضرت امام خمینی (ره) به نجف، توجه ویژه‌ای به کشور عراق داشت و ساواک ایلام را مأمور نظارت بر اقدامات امام نمود. ساواک ایلام نیز بخشی از نیروی خود را صرف رصد موقعیت امام در نجف و سایر نیروهای انقلابی در عراق کرده بود. اسناد به جای مانده از دایره برون‌مرزی ساواک ایلام نیز نشان می‌دهد که آنها با دقت تمام فعالیت‌های حضرت امام را رصد می‌کرده‌اند. بر اساس سندی که مربوط به سال ۱۳۵۱ است، امام قصد سفر به لبنان را داشته است؛ چراکه دولت عراق، وی را تحت فشار قرار داده بود که خاک آن کشور را ترک نماید (مراسان، شماره ۲۴۲/۶۲۴/۹۶۶)؛ با این حال، امام در عراق ماند و به فعالیت‌های خود بر علیه رژیم پهلوی ادامه داد. در سند دیگری که توسط دایره برون‌مرزی ساواک ایلام صحت آن تأیید شده بود و تاریخ آن به سال ۱۳۵۲ برمی‌گردد، اشاره می‌شود: «روح‌الله خمینی که هم‌اکنون در نجف سکونت دارد با تشکیل جلسات سخنرانی مذهبی بر علیه ایران تبلیغات نموده و با توزیع مقادیر زیادی اعلامیه ضد ایرانی، شیعیان عراق را به انجام تظاهرات علیه ایران تشویق نموده است» (مراسان، ۲۴/۱۱۴۹۴/ح/۲۴۲). در این زمان، امام خمینی ضمن تشکیل کلاس‌های فقهی خود، فعالیت سیاسی بر علیه رژیم را گسترش داده و تمایل داشته است روحانیون و سایر نیروهای انقلابی جهت انجام فعالیت و روشنگری مردم به ایران مراجعت نمایند.

دایره برون‌مرزی ساواک ایلام، جهت کسب خبر از شهرهای عراق، نیروهایی را از بین مردم منطقه به استخدام درآورده بود. این افراد براساس کدهای خاصی نامگذاری شده بودند. در سال‌های نزدیک به انقلاب، شرایط حضرت امام به گونه‌ای بوده است که رفت و آمد



علما و انقلابیون به بیت ایشان گسترش یافته بود و همین مسئله باعث شده بود که ساواک زمان بیشتری برای این موضوع صرف کند. در سندی که مربوط به سال ۵۷ می باشد به خوبی شرایط و محبوبیت امام در عراق انعکاس یافته است: «روح الله خمینی به علت بیماری شدید از محل سکونت خود در نجف توسط یک فروند هواپیمای اختصاصی به یکی از بیمارستان‌های شخصی بغداد منتقل گردیده و احمد حسن البکر به محض شنیدن خبر، ضمن ملاقات با وی در بیمارستان به دکترهای متخصص اظهار داشته است چنانچه حال او رضایت بخش نیست فوراً او را به لندن اعزام نمایند؛ که در جواب گفته‌اند در حال حاضر، حال وی رو به بهبودی است. ضمناً تعدادی از علمای طراز اول عراق و سایر کشورها در بیمارستان از وی عیادت نموده‌اند» (مراسان، شماره ۹۰۱۴/۷).

افزون بر حساسیت ویژه دایره برون‌مرزی ساواک ایلام در نظارت بر اقدامات امام خمینی در عراق در سال‌های آخر دهه ۴۰، زمانی که تیمور بختیار در عراق مبادرت به ایجاد تشکیلات نظامی برای مبارزه مسلحانه علیه رژیم پهلوی نمود و بسیاری از مردم ایلات و عشایر ایلام را جذب کرد، ساواک با شدت عمل بیشتری نسبت به شناسایی این افراد، اقدامات آنها و شکنجه و دستگیری خانواده‌های آنها در ایلام مبادرت ورزید. در یکی از اسناد ساواک مربوط به سال ۱۳۴۸ در این خصوص آمده است: «تعدادی از افراد عشایر فلک و قیطول با راهنمایی و همکاری اشخاص مشروحه زیر، از چندی قبل به طور مداوم از طریق مرز چنگوله (در فاصله پنجاه کیلومتری مهران بسوی دهلران) به طور غیرمجاز به عراق مسافرت کرده و مستقیماً به پاسگاه باغشاهی عراق رفته و با راهنمایی مسئولین پاسگاه مزبور و سه نفر از اهالی آن منطقه، به اسامی مزبان فرزند رستم، قلی فرزند علی، ولی و برادرش باباخان از طریق شیخ سعد به عماره، هدایت و پس از دیدن آموزش‌هایی و دریافت مبالغی از مقامات عراقی از همان طریق به ایران مراجعت می‌نمایند و هربار که مسافرت‌های آنها تکرار می‌گردد تعداد دیگری به جمع آنها افزوده می‌شود. ضمناً بعضی از افراد مورد بحث مستقیماً با تیمور بختیار ملاقات نموده و مذاکراتی با وی به عمل آورده‌اند: ۱- کریم فرزند کائد، ۲- یوسف فرزند کریم، ۳- جمعه فرزند برزو، ۴- شیخ علی سلیمانی ۵- علی پاشا فرزند جمشید، ۶- قاسم فرزند لفته، ۷- گناری» (مراسان، شماره ۴۷۵۵/و). این سند نشان می‌دهد که دایره برون‌مرزی ساواک ایلام در خارج از مرزهای کشور و در مناطق مختلف عراق فعالیت‌هایی داشته و رفت و آمد مردم در مرزها را به شدت کنترل می‌کرده است. به دنبال این خبرگیری‌ها و جمع‌آوری اطلاعات، ساواک برای مقابله با نیروهای مردمی که در عراق مستقر بودند، طرح‌هایی را اجرا می‌کرد که یکی از آنها «طرح ضربت» بود که نخست‌وزیری نیز در جریان آن قرار گرفته بود.

ساواک برای مقابله با نیروهای چریکی تیمور بختیار در خاک عراق، طرح ضربتی را ایجاد نمود و از نیروهای ژاندارمری و شهربانی به شدت انتقاد کرد: «ساواک فرمانداری کل ایلام و پشتکوه مورخ ۴۹/۵/۱۰ اعلام نموده است به علت عقب‌افتادگی اهالی منطقه ایلام و در اثر بی‌توجهی مؤسسات دولتی و ظلم و جور مأمورین ژاندارمری و شهربانی، وضعی به وجود آمده است که تلاش این ساواک معطوف به دلداری و رسیدگی به وضع نابسامان عشایر بدبخت این منطقه گردیده است و در حال حاضر، ساواک در نظر اهالی سمبل عدل پهلوی



می‌باشد. ضمناً با توجه به عدم حضور یگان‌های ارتشی (به استثنای یک گردان زرهی در موسیان) و با تجربیاتی که این ساواک به دست آورده است، به هیچ وجه نمی‌تواند به پرسنل ژاندارمری اعتماد داشته باشد؛ لذا ساواک مذکور به منظور تغییر حالت تدافعی به تعرضی، دو اکیپ پنج نفری را آماده و جهت اجرای طرح ضربت، تعداد ۱۰ قبضه تفنگ برنو، ۵۰۰ تیر فشنگ، ۵۰ عدد نارنجک دستی و صد دینار عراقی و اجازه اجرای طرح‌های مزبور را کسب نموده است و عنوان می‌کند که در اجرای طرح‌های مذکور، به هیچ نوع پشتیبانی آموزشی یا تهیه طرح‌های عملیاتی یگان‌های ارتش نیاز ندارد. اداره کل ساواک مرکز در پی دریافت این گزارش دستور داده است که به افراد متواری فعال آن منطقه، مانند شمس‌الدین کاظمی و کدخدا خلیفه و پسرانش، که از منطقه ایلام متواری شده و به جمع عوامل بختیار پیوسته‌اند، در آن سوی مرز ضربه وارد آورند و چنانچه چنین اهدافی در آن سوی مرز به وجود آمده آن را نابود سازند» (مراسن، شماره ۱۶۰۰۹۰).

این سند که مطالب ضد و نقیض زیادی در آن وجود دارد؛ از یک سو، ساواک را به عنوان نماد عدالت معرفی کرده که به دنبال احقاق حقوق مردم ستمدیده ایلام است و از سوی دیگر، بسیاری از مردم این منطقه را با ظلم و تعدی‌های خود فراری داده است، به نحوی که به کشور عراق پناهنده شده‌اند و از دیگر سو، گروه ضربت را تشکیل داده است تا همین افراد متواری از ظلم و ستم را نابود کند؛ بنابراین ساواک ایلام افزون بر اقداماتی که در داخل کشور برای مقابله با مردم انجام می‌داد، در خارج از کشور نیز به واسطه ایجاد دایره برون‌مرزی فعال بود و هدف اصلی آن هم، چه در داخل و چه در خارج، سرکوب هرگونه ندای مخالفت با رژیم بود.

۳- ایجاد پایگاه جاسوسی اسرائیل در ساواک ایلام

اسرائیل پایگاهی را در کنار ساواک ایلام ایجاد کرده بود که گروهی در آن، مشغول به فعالیت شده بودند. زمینه‌های برقراری روابط ایران و اسرائیل، به‌ویژه در حوزه امنیتی و اطلاعاتی، در دهه ۱۹۵۰ میلادی فراهم شد. مأموران موساد پس از کودتای ۲۸ مرداد، به ایران نفوذ کردند و زمینه فعالیت‌های بعدی را فراهم نمودند. روابط رژیم پهلوی با رژیم صهیونیستی نه تنها رسمی نبود؛ بلکه دوستانه بود. فرد هالیدی (۱۳۵۸: ۲۸۸-۲۸۹) می‌گوید: «در شرایط انزوای ایران از سوی کشورهای اسلامی خاورمیانه، ایران و اسرائیل مشتاقانه روابطشان را تحکیم بخشیدند». پس از شکل‌گیری ساواک در ایران، موساد برای برخوردار شدن از حمایت این نهاد امنیتی، به‌ویژه در برابر کشورهای عربی، پیشنهادات مختلفی را به ایران ارائه کرد (کفاش، ۱۳۸۸: ۷۹). موساد علاوه بر اینکه مهارت فوق‌العاده‌ای داشت، از روابط نزدیک با تشکیلات جاسوسی سایر کشورها نیز بهره می‌برد و به‌ویژه با سازمان‌های جاسوسی انگلیس و ایالات متحده در ارتباط نزدیک بود (مولوی وردنجانی و فیض‌افرا، ۱۳۹۷: ۵۱۷). بنا بر همین موضوع بود که شاه در همان سال نخست شکل‌گیری ساواک از تیمور بختیار خواست تا انگیزه‌های ایران را برای همکاری اطلاعاتی با اسرائیل به مقامات آن کشور اعلام کند؛ از این رو، تیمور بختیار به اسرائیل رفت و با ایسر هارل، رئیس سازمان موساد، دیدار کرد و شخصی به نام یعقوب کاروز مسئول پیگیری امور مربوط به ایران شد. با تلاش کاروز در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸ م.) مؤسسه بازگانی وابسته‌ای در ایران شکل گرفت که ساماندهی امور اسرائیل و موساد را در ایران پیگیری



می‌کرد (قانون، ۱۳۸۱: ۲۷۱-۲۷۲). بر اساس همین روابط نزدیک و منافع مشترک بود که شاه موافقت کرد موساد در بخش‌های غربی و جنوبی کشور چند پایگاه جاسوسی - اطلاعاتی ایجاد کند و با یاری ساواک بر ضد کشورهای عربی - اسلامی منطقه به اقدامات جاسوسی و اطلاعاتی دست زند. حسین فردوست، موساد را پس از سیا، فعال‌ترین سرویس اطلاعاتی - امنیتی خارجی دانسته که در ایران حضور گسترده داشته است (فردوست، ۱۳۷۰، ج ۱: ۵۵۱).

از همان سال‌های نخست دهه ۱۳۴۰ ش. موساد با همکاری ساواک، سه پایگاه اطلاعاتی - جاسوسی در استان‌های خوزستان، ایلام و کردستان تأسیس کرد که عمده فعالیت این پایگاه‌ها، عملیات اطلاعاتی - جاسوسی بر ضد عراق و برخی کشورهای عربی دیگر بود. برخی از همکاران اطلاعاتی موساد و ساواک در این پایگاه‌ها، عرب بودند و تابعیت کشورهای عراق، کویت، امیرنشین‌های امارات، بحرین و نیز عربستان را داشتند. طی سال‌های بعد، فعالیت این پایگاه‌ها گسترش یافت و با بهره‌گیری از تجهیزات جاسوسی مدرن و نصب رادارهای متعدد در مناطق مختلف مرزی ایران و عراق، بخش اعظمی از خاک عراق تحت کنترل قرار گرفت (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۶۸-۷۱).

حسین فردوست هدف از ایجاد پایگاه‌های سه‌گانه جاسوسی موساد در قلمروهای غربی و جنوبی ایران و روند و حیطة فعالیت و عمل هریک از آن پایگاه‌ها را تشریح کرده و اطلاعات جالب توجهی راجع به آنها ارائه داده است: «به هر حال، اسرائیل ۳ پایگاه برون‌مرزی در ایران داشت که احتمالاً از سال ۱۳۳۷ [به بعد] ایجاد شده بودند. این ۳ پایگاه در خوزستان (مرکز اهواز)، ایلام (مرکز ایلام) و کردستان (مرکز بانه یا میوان) و در محلی مستقر بودند که ساواک هم در آنجا باشد. در آن زمان اطلاعی از وضع این پایگاه‌ها نداشتم و اداره کل آموزش هم وجود نداشت تا کسب اطلاع کنم؛ لذا برای آشنایی کامل و دقیق از سازمان برون‌مرزی اسرائیل و نحوه گردآوری اطلاعات، خواستم که بهترین رئیس پایگاه به تهران احضار شود، که گفته شد رئیس پایگاه خوزستان است. او ۳ روز در تهران ماند و صبح و بعدازظهر هرچه لازم بود دیکته کرد و من همه را نوشتم و بعداً بر اساس آن یک جزوه مدون تنظیم نمودم. این جزوه به حدی کامل بود که بعدها هرچه ساواک در زمینه برون‌مرزی آموزش می‌داد به کاملی این جزوه نبود. از همان روز اول مشهود بود که این فرد از افراد ممتاز سازمان برون‌مرزی اسرائیل است؛ لذا بعدها او را چند بار برای آموزش به اداره کل دوم دعوت کردم و متوجه شدم که حتی از نیمرودی نیز ورزیده‌تر است. هدف پایگاه‌های برون‌مرزی اسرائیل در ایران، عراق و کشورهای عربی بود و اکثر مأمورین را این ۳ پایگاه استخدام می‌کردند و پس از آموزش کامل، مرحله بهره‌برداری شروع می‌شد. اکثر مأموران پایگاه‌ها عراقی بودند؛ ولی پایگاه خوزستان موفق شد تعدادی مأمور کویتی و بحرینی و امیرنشین‌های امارات و حتی افرادی از عربستان سعودی را نیز استخدام [کند] و به کار گمارد؛ به طوری که از این ۳ پایگاه، کلیه اطلاعات لازم از عراق و تا حدی از کویت و امارات و عربستان و سوریه جمع‌آوری می‌شد. البته منظور اسرائیلی‌ها در شروع کار عراق بود؛ ولی به تدریج امکانات به حدی زیاد شد که کشورهای فوق‌الذکر را نیز تحت پوشش قرار داد. یک نسخه از کلیه اطلاعات جمع‌آوری شده به اداره کل دوم ساواک



تحويل [داده] می‌شد و یک نسخه نیز به سرعت به اسرائیل ارسال می‌گردید. باید اضافه کنم که اداره کل دوم ساواک نیز حدود ۱۰ پایگاه برون‌مرزی برای کار در عراق و کشورهای عربی داشت؛ ولی نتیجه کار این ۳ پایگاه اسرائیلی حتی با مجموع کار آن ۱۰ پایگاه نیز قابل مقایسه نبود. علت عدم ورزیدگی و عدم تجربه کافی رهبران برون‌مرزی اداره کل دوم بود (فردوست، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳۶۷-۳۶۸). ظاهراً پایگاه‌های سه‌گانه اطلاعاتی - جاسوسی موساد در مناطق غربی و جنوبی ایران در سال ۱۳۴۶ برچیده شدند و مسئولان آن سازمان ترجیح دادند از آن پس، هدایت شبکه‌های اطلاعاتی گسترده‌ای را، که تا آن هنگام در ایران ایجاد کرده بودند (گفته شده که در همین رابطه حدود ۳۰۰ نفر مأمور ورزیده اطلاعاتی و جاسوسی تربیت شده و به کار گرفته شده بودند)، از خاک اسرائیل بر عهده گیرند. پرویز ثابتی (۱۳۹۰: ۵۳۵) می‌گوید: «از سال ۱۳۵۲ ایران قصد نفوذ بیشتر در عراق را داشت و هر کشوری که می‌توانست عراق را تضعیف کند مورد توجه و حمایت اسرائیل قرار می‌گرفت» و همین موضوع باعث شد بار دیگر از اوایل ۱۳۵۵ ش. پایگاه‌های اطلاعاتی - جاسوسی موساد در غرب و جنوب کشور فعالیت خود را از سر بگیرند. این پایگاه‌ها تا پایان دوران پهلوی فعال بودند (تقی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۵۲). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این پایگاه‌ها توسط انقلابیون تصرف شدند و به فعالیت آنها خاتمه داده شد. روزنامه کیهان (۳ اسفند ۱۳۵۷: ۷) درباره کشف یکی از همین پایگاه‌ها چنین نوشته است: «عده‌ای از مجاهدین قهرمان شهر کرمانشاه موفق به کشف یک پایگاه بزرگ مخابراتی و جاسوسی در غرب این شهرستان شدند ... گروهی از مطلعین و مجاهدین هنگام جستجو، تعدادی اسناد و مدارک سری در ساختمان‌های این پایگاه کشف کردند و عقیده داشتند که این مجموعه به وسیله عمال ساواک و مأموران جاسوسی اسرائیل و هدایت و کنترل سیا در دست ساخت بوده است».

اسرائیل پایگاه جاسوسی خود در ایلام را در منطقه‌ای به نام «شهنه‌چیر» در ارتفاعات جنوبی ایجاد کرده بود و با نصب رادارها و دستگاه‌های پیشرفته جاسوسی تا عمق خاک عراق را رصد می‌کرد. از سرنوشت نیروهای موساد و ساواک در این پایگاه اطلاعی حاصل نشد. به نظر می‌رسد مانند سایر نیروهای ساواک ایلام در روزهای پایانی حکومت رژیم پهلوی و پیش از انقلاب اسلامی فرار کرده باشند. این پایگاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط نیروهای انقلابی تصرف شد و در زمان جنگ تحمیلی به عنوان پایگاهی بااهمیت در اختیار نیروهای نظامی قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

ساواک ایلام، که در سال‌های نخستین دهه ۴۰ ش. شکل گرفت، کارکردهای چندگانه‌ای در حوزه‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی داشت و برای سازمان اطلاعات و امنیت کشور در مرکز بسیار حائز اهمیت بود و توانست اطلاعات و اخبار مهمی را از منطقه و کشورهای همسایه به مرکز مخابره کند. کارکرد اول آن، نظارت دقیق بر فعالیت‌های مردم ایلام و سرکوب هرگونه اقدام بر علیه رژیم پهلوی بود که نمونه‌های عملیاتی مختلفی از آن در اسناد ذکر شده است. سرکوب، دستگیری و اعدام گروهی از مردم ایلام که در اواخر دهه ۴۰ ش. با پایگاه تیمور بختیار در عراق مرآوده داشتند و پس از آن، برخورد شدید با نیروهای انقلابی به رهبری روحانیت



ایلام و زندان و تبعید آنها در دهه ۵۰ ش. از جمله فعالیت‌های منطقه‌ای ساواک در ایلام است. همین خشونت ساواک در مواجهه با مردم ایلام، به‌ویژه با کسانی که با تیمور بختیار همکاری داشتند، پیامدهای اجتماعی ژرفی برجای گذاشت؛ به گونه‌ای که بسیاری از مردم ایلات شوهان و کرد، تحت فشارهای ساواک از زندگی عشایری دست کشیدند و به شهرها مهاجرت کردند و تا پیروزی انقلاب اسلامی همواره ترس از ساواک بر زندگی آنها سایه انداخته بود. گروهی از این مردم به کشور عراق پناهنده شدند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق، رژیم بعث آنها را تحت شدیدترین فشارها قرار داد.

پس از تبعید امام خمینی به کشور عراق، ساواک ایلام وظیفه دیگری که ابعاد ملی داشت را هم به عهده گرفت و به واسطه موقعیت جغرافیایی استان ایلام و هم‌مرز بودن آن با کشور عراق، از یک سو تلاش می‌کرد به انحاء مختلف، موقعیت و فعالیت‌های امام را رصد کند و به مرکز گزارش دهد و از سوی دیگر، کسانی که از ایران برای دیدار با امام، عازم عراق می‌شدند را به شدت کنترل کند و به طور کلی، نظارت بر مرادات امام از کارویژه‌های ساواک ایلام بود. سختگیری ساواک، مانع مهمان‌نوازی مردم ایلام و برخورد مناسب آنان با روحانیون و شخصیت‌هایی که برای دیدار امام از ایلام گذر می‌کردند، نشد. برخی از این روحانیون، از جمله آیت‌الله مروارید، برای همیشه در ایلام ماندگار شدند و منشأ تحولات فرهنگی و اجتماعی در این شهر شدند. رژیم صهیونیستی نیز که در این زمان در شرایط جنگی با کشورهای عربی قرار داشت و مناسبات حسنه‌ای با ایران برقرار کرده بود، تلاش می‌کرد با کمک ایران، اطلاعات و اخباری از این کشورها به دست آورد و به همین منظور، سه پایگاه جاسوسی در ایران ایجاد کرد که یکی از آنها در ایلام و با همکاری ساواک ایلام ایجاد شد؛ در واقع ساواک ایلام در این زمان در حوزه بین‌المللی شروع به فعالیت نمود. این پایگاه که از رادارها و تجهیزات پیشرفته‌ای بهره می‌گرفت، اخبار کشورهای عربی، به‌ویژه عراق را به اسرائیل مخابره می‌کرد؛ بنابراین اقدامات ساواک در ایلام چندوجهی بود و برای رژیم پهلوی اهمیت زیادی داشت. با این همه و در نهایت، انقلاب چنان قدرتمند بود که ساواک با وجود تجهیزات پیشرفته‌ای که در اختیار داشت نیز نتوانست در برابر آن مقاومت کند.



منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها و مقالات

- آبراهامیان، یراوند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- ادیبی، حسین و عبدالمعبود انصاری (۱۳۸۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ج دوم، تهران: دانژه.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۲)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۹۱)، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسن ابوترابیان، تهران: زریاب.
- تقی‌پور، محمد تقی (۱۳۸۵)، استراتژی پیرامونی اسرائیل، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ثابتی، پرویز (۱۳۹۰)، در دامگه حادثه «گفتگویی با پرویز ثابتی»، به کوشش عباس قانع فر، بی‌جا: شرکت کتاب.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳)، نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.
- سلیمی، حشمت (۱۳۸۷)، شکنجه به روایت شکنجه‌گران ساواک، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سولیوان، ویلیام و آنتونی پارسونز (۱۳۷۲)، خاطرات دو سفیر، اسراری از سقوط شاه و نقش آمریکا و انگلیس در انقلاب ایران، ترجمه محمود طلوعی، تهران: علم.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۶)، ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (۱۳۳۵-۱۳۵۷)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- فردوست، حسین (۱۳۷۰)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- قانون، مرتضی (۱۳۸۱)، دیپلماسی پنهان، جستاری در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی با مروری بر پیشینه تاریخی یهودیان، تهران: فرهنگسرای طبرستان.
- کفاش، مهین (۱۳۸۸)، «روابط امنیتی-اطلاعاتی ایران و اسرائیل با تکیه بر سازمان‌های ساواک و موساد»، نامه تاریخ پژوهان، سال پنجم، شماره ۴۰.
- مولوی وردجانی، عیسی و داود فیض‌افرا (۱۳۹۷)، «بررسی مناسبات سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در دوران پهلوی با سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد)»، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال اول، شماره ۴.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۳)، فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، تهران: فوژان.
- نجاری‌راد، تقی (۱۳۷۸)، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.
- هیکل، محمدحسین (۱۳۶۶)، روایتی که ناگفته ماند، ج ۴، ترجمه حمید احمدی، تهران: الهام.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۹۲)، باران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب چهل و پنجم، آیت‌اله حاج شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۹۰)، باران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب چهل و سوم، عالم مبارز حجه الاسلام حاج شیخ محمد تعمیر کاری، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.

ب) اسناد

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره ۱۱۴۹۴/۲۴/ح/۲۴۲.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره ۱۵۹۹۰۰۶.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره ۱۵۹۹۰۴۱.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره ۱۶۰۰۰۹۰.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره ۱۶۰۴۰۷۰.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره ۵/۳۷۶.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره ۴/۷۵۵/و.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره ۹۰۱۴/۷.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره ۲۴۲/۶۲۴/۹۶۶.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره‌های ۵/۳۹۲ و ۱۶۰۴۰۷۷.

ج) مصاحبه‌ها

- مصاحبه با خیرالله کریمی‌نیا، ایلام، ۱۳۹۵/۳/۷.
- مصاحبه با دکتر شمس‌الله سراج، ایلام، ۱۳۹۶/۹/۱۲.
- مصاحبه با شامحمد عبدی، ایلام، ۱۳۹۵/۳/۴.
- مصاحبه با میرحسین کریمی‌نیا، مهران، ۱۳۹۵/۳/۱۲.
- مصاحبه با هاشم نعمتی، ایلام، ۱۳۹۶/۹/۸.

د) مطبوعات

- روزنامه کیهان، ۳ اسفند ۱۳۵۷.